

# زیارت امام هادی (علیه السلام) برای ائمه (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8?>



## 1. زیارات امام هادی (علیه السلام) برای ائمه (علیهم السلام)

حضرت امام هادی - علیه السلام - با زیارات خاصی پدران و اجداد گرامی خویش را زیارت می کرد و مجموعه گرانبهایی از ایشان بدین ترتیب به دست ما رسیده است . این مجموعه دربردارنده دلایل استواری بر حقانیت ائمه اهل بیت و احقیقت آنان نسبت به خلافت اسلامی و اسناد مهمی درباره فضائل و مناقب و عظمت آنان می باشد. در اینجا به بعضی از زیارات حضرت اشاره می کنیم :

### زیارت جامعہ:

این زیارت از مشهورترین ، برترین و شناخته شده ترین زیارات ائمه اطهار - علیهم السلام - بشمار می رود و شیعیان اهل بیت به این زیارت اقبال خاصی نشان داده و به حفظ آن و زیارت ائمه با آن مخصوصا در روزهای جمعه پرداختند و ما به اختصار از آن بحث می کنیم .  
**صحت سند زیارت :** صحت سند این زیارت به درجه قطع و یقینی بودن رسیده است و شیخ الطائفه طوسی در «التهذیب»، رئیس المحدثین صدوق در «الفقیه» و دیگران آن را نقل نموده اند. علامه مجلسی درباره این زیارت می گوید:

«این زیارت دارای بهترین سند، عمیق ترین مفهوم ، فصیح ترین الفاظ، بلیغ ترین معنی و عالی ترین شاعن است و از جمله بهترین زیارت بشمار می رود». (1)

این زیارت را محمد بن اسماعیل برمکی از موسی بن عبدالله نخعی نقل کرده است . به سخن او گوش فرا می دهیم تا از زبان خودش بشنویم که می گوید: به علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب - علیهم السلام - عرض کردم : یا بن رسول الله ! مرا کلامی نیک ، رسا و بسیار شیوا بیاموز تا آنکه هر وقت خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را به زبان آورم .

حضرت فرمود: هنگامی که به در (حرم) می رسی در حالی که غسل داری توقف کن و شهادتین را به زبان آور پس داخل شو، همینکه قبر را دیدی ، بایست و سی مرتبه «اللّٰه اکبر» بگو، سپس با آرامش و متانت گام های کوتاهی بردار و کمی راه برو و بعد بایست و سی مرتبه خداوند متعال را تکبیر بگو. سپس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه تکبیر بگو که مجموعاً یکصد تکبیر می شود، سپس حضرت امام هادی - علیه السلام - متن زیارت جامعه را به او تعلیم داد.(2)

### شیوایی رسالت :

زیارت جامعه از استواری ، بزرگی بیان و فصاحت شگفت انگیزی برخوردار است و با الفاظ عذب و شیرین ، مزین و آراسته شده است به علاوه آنکه زیباترین تعبیر و دقیق ترین معانی و مفاهیم را بیان می کند، همه این موارد دلیل و آیه روشنی است بر آنکه متن این زیارت از طرف معصوم - علیه السلام - صادر شده است . به عقیده علمای فن نشانه خبر صحیح آنست که در بالاترین مراتب رسایی و شیوایی و ابداع بوده باشد زیرا ائمه اطهار کان و معدن بلاغت و فصاحت بوده اند و آنانند که قواعد و اصول سخنوری و سخن سنجی را بنیان نهادند و صدف را از سفال جدا کردند لذا سخنانشان لاجرم در قله فصاحت و بلاغت قرار دارد.

### شرح های این زیارت :

علمای شیعه اهتمامی بی مانند در راه شرح این زیارت بخاطر مطالب والای آن و اسرار دست نیافتنی و فوق العاده آن و مباحث تازه آن ، صرف کردند که ما به برخی از این شرح ها اشاره می کنیم :

- 1 - شرح زیارت جامعه کبیره ، از علامه شیخ احمد بن زین الدین بن ابراهیم احسائی که شرحی است بزرگ و مفصل .
- 2 - شرح زیارت جامعه ، از محمد تقی بن مقصود مجلسی (پدر علامه مجلسی) .
- 3 - شرح زیارت جامعه ، از سید حسین بن سید محمد تقی همدانی به زبان فارسی .
- 4 - شرح زیارت جامعه ، از سید عبدالله بن سید محمد رضا شبر حسینی به نام «الانوار اللامعه .»
- 5 - شرح زیارت جامعه ، از سید علی نقی حائری .
- 6 - شرح زیارت جامعه ، از شیخ محمد علی رشتی نجفی .
- 7 - شرح زیارت جامعه ، از سید محمد بن محمد باقر حسینی .
- 8 - شرح زیارت جامعه ، از سید محمد بن عبدالکریم طباطبائی بروجردی . (3)

اینها بعضی از شرح ها و تعلیقات زیارت جامعه کبیره است که به خوبی اهمیت آن را می رساند و ما بخاطر گسترش و وجود این زیارت تقریباً در همه کتب ادعیه از ذکر آن خودداری می کنیم زیرا این زیارت صدها بار بطور

مستقل یا در ضمن کتب دعا و زیارت چاپ شده است.

## زیارت غدیر

یکی از مهمترین زیارت ائمه اطهار نزد شیعه اثنی عشری «زیارت غدیر» است که بدان اهمیتی شایان مبذول داشته اند زیرا آن را سمبل روزی ، جاودانه در دنیای اسلام می دانند؛ روزی که در آن پیامبر اکرم «- صلی الله علیه و آله -» سرنوشت آینده امت را رقم زد و علی - علیه السلام - را به عنوان امیرالمؤمنین و جانشین پس از خود و خلیفه مسلمین به همگان معرفی نمود و لباس خلافت و امامت بر تن او آماده کرد (و او را به تاج امامت و خلافت آراست).

شیعه امامیه این روزها را عید می داند زیرا روز غدیر سرچشمه اصلی اعتقادات آنان بشمار می رود و آنان از آغاز تاریخشان تاکنون همه ساله در این روز تاریخی ، مرقد امام را زیارت نموده و در آنجا تجدید بیعت می کنند و میثاق دوستی خود را محکم تر می سازند.

در آن سال که معتصم خلیفه عباسی امام هادی - علیه السلام - را از مدینه به سامرا فرا خواند ایشان به زیارت جدشان امیرالمؤمنین رفته و همین زیارت را که از زیباترین و برترین زیارات است در آن آستان مقدس خواندند (4) و در آن از فضایل امیرالمؤمنین و مشکلات سیاسی و اجتماعی که ایشان را آزرده کرده بود سخن گفتند. در اینجا شایسته می بینیم به پاره ای از فقرات این زیارت که از حماسه های اهل البیت - علیهم السلام - بشمار می رود اشاره ای داشته باشیم :

1 - امام هادی - علیه السلام - در زیارت غدیریه خود نقل می کند که جدش امیرالمؤمنین - علیه السلام - نخستین گرونده به اسلام و ایمان آورنده به خدا بود و اولین کسی بود که دعوت پیامبر را به شریعت جدید پذیرفت . حضرت در خطاب به جدشان می فرماید:

«و انت اول من آمن بالله و صلی له ، و جاهد، و ابدی صفحته فی دار الشک ، و الارض مشحونة ضلالة و الشیطان یعبد جهرة...»

«و تو نخستین کسی بودی که به خدا ایمان آورد و برای او نماز خواند و جهاد کرد و در سرزمین و خانه شرک از باطل روی گردان شد در حالی که زمین انباشته از گمراهی بود و شیطان آشکارا پرستیده می شد...».

اخباری که امیرالمؤمنین را اولین کسی که ایمان آورد و مسلمان گشت و ندای خدا را پاسخی درخور داد و به دین الهی گروید، می داند به حد تضافر رسیده است . طبری به سند خود از ابن اسحاق نقل می کند که گفت :

«اولین مردی که به رسول الله - صلی الله علیه و آله - ایمان آورد و دعوت حق را تصدیق نمود علی بن ابی طالب - علیه السلام - بود که در آن هنگام ده سال داشت» . (5)

طبرانی نیز به سند خود از ابوذر نقل می کند که گفت : رسول الله - صلی الله علیه و آله - دست علی - علیه السلام - را به دست گرفت و فرمود:

«هذا اول من آمن بی ، و اول من یصافحنی یوم القيامة ...» (6)

«این (مرد) اولین کسی است که به من ایمان آورد و نخستین کسی خواهد بود که روز قیامت با من مصافحه می

کند و (دستم را می فشارد)....».

همچنین پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - به عایشه فرمود:

«هذا علی بن ابی طالب اول الناس ایمانا» (7) این علی بن ابی طالب است نخستین شخصی که ایمان آورد».

و اخبار بی شمار دیگری که این حقیقت را بیان می کند.

2 - امام هادی - علیه السلام - در این زیارت از پیکار و جهاد جدشان امیرالمؤمنین - علیه السلام - و شجاعت

و دلاوری و پایداریش در جنگ ها چنین می گوید:

«و لك المواقف المشهودة ، و المقامات المشهورة ، و الايام المذكورة يوم بدر، و يوم الاحزاب اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر، و تظنون بالله الظنونا، هنالك ابتلى المؤمنون ، و زلزلوا زلزالا شديدا، و اذ يقول المنافقون و الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله الا غورا و اذ قالت طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا و يستاذن فريق منهم النبي يقولون ان بيوتنا عورة و ما هي بعورة ان يريدن الا فرارا» (8) و قال الله تعالى : «و لما رأى المؤمن الاحزاب ، قالوا: هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و ما زادهم الا ایمانا و تسليما» (9) فقتلت عمرهم و هزمت جمعهم ...».

«ایستادگی های نمایان و رشادت های آشکار و روزهای به یاد ماندنی جنگ «بدر و احزاب» تو را زبازد تاریخ ساخته است در آن هنگام که چشم ها خیره شد و جان ها به گلو رسید و به وعده خدا گمان های مختلف بردید، در آنجا مؤمنان امتحان شدند و سخت متزلزل گردیدند و منافقان و آنانکه در دلشان شک و ریب بود با یکدیگر می گفتند: ای اهل یثرب دیگر شما را جای ماندن نیست پس باز گردید و گروهی از آنان برای رفتن از پیامبر اجازه خواسته می گفتند: خانه های ما دیوار و حفاظی ندارد در صورتی که دروغ می گفتند و مقصودشان جز فرار از جبهه جنگ نبود، و خداوند متعال درباره این ایام فرمود: «و مؤمنان چون احزاب و نیروهای کفر را دیدند گفتند: این همان چیزی است که خدا و رسولش به ما وعده داده است و خدا و رسول راست گفته اند و بر ثبات و ایمان و انقیاد ایشان افزوده شد».

و تو در آن روز، عمرو (بن عبدود) آنها را کشتی و جمعیت آنان را پراکندی و خدا آن کافران را با خشم سرکوفته و آرزوهای بر باد رفته باز گرداند و چیزی نصیبشان نساخت و خداوند مؤمنان را از رنج کارزار بیاسود که خدا را بر عالمیان اقتدار کامل است .

(یکی دیگر از پایمردی های تو) در جنگ «احد» است که مسلمانان روزی به هزیمت گذاشته بودند و به کسی توجه نداشتند و پیامبر همچنان در پی آنان ایشان را فرا می خواند تو در آن هنگام با شمشیرت مشرکان را از نزدیک شدن به پیامبر باز می داشتی و آنان را به چپ و راست پراکنده می ساختی تا آنکه خداوند آنان را با سرافکندگی و ترس از شما دور کرد و فراریان را به کمک تو به پیروزی رساند.

(یکی دیگر از روزهای سخت و به یاد ماندنی تو) جنگ «حنین» است که خداوند درباره آن می فرماید:

«اذ اعجبتمكم كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا، و ضاقت عليكم الارض بما رحبت ثم وليتم مدبرين ، ثم انزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين.» (10)

«و یاد آرید جنگ حنین را که مغرور بسیاری لشکر اسلام شدید و فریفته جمعیت زیاد خود گشتید لیکن این

انبوهی ، سودی به شما نرساند و زمین با فراخی خود بر شما تنگ شد سپس شما پا به فرار گذاشتید پس از آن خداوند سکینه و وقار خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل ساخت».

مؤمنان ، تو و همراهانت ، و عمومیت بودید که فراریان را فرا می خواند و بانگ برداشته بود: ای اصحاب سوره بقره

، ای اهل بیعت شجره (اشاره به بیعت رضوان) تا آنکه فراریان باز گشتند و تو بدون نیاز به آنها و به تنهای از عهده پیکار و دفاع از پیامبر برآمدی و گریختگان با ناامیدی از پاداش و امید به فضل الهی مبنی بر وعده جزای خیر که می فرماید:

«ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء» (11) «سپس خداوند پس از آن بر هر که بخواهد توبه می کند و توبه اش را می پذیرد».

به گردت جمع شدند و تو به درجه والای صبر و استقامت رسیدی و بزرگترین پاداش را دریافت کردی . (در جنگ خیبر نیز حماسه های جاودانی را تو آفریدی) و روز «خیبر» که خداوند ضعف و زبونی منافقان را آشکار ساخت و دنباله کافران را قطع نمود - و سپاس خدای را پروردگار عالمیان - در حالی که قبلاً وعده داده بودند و با خدا عهد بسته بودند که به دشمن پشت نکنند و بدرستی که در برابر عهد خدا مسؤ ول خواهند بود. (12) سپس حضرت می افزاید: تو همراه پیامبر در تمام جنگ ها و غزوات حضور داشتی و پرچم را در برابر او برافراشته با شمشیر پیشاپیش حضرت ، دشمنان را فرو می کوفتی علاوه بر اینها حزم و دوراندیشی تو مشهور است و بصیرت و بینشت تو را در مراحل حساس و دشوار مسلط و امیر بر شرایط قرار می داد و چیزی بر تو چیره نمی گشت ...).

امام علی - علیه السلام - در تمام مراحل و شرایط حساس و دشوار یکسره به دفاع از اسلام پرداخت و به دشمنان درس های فراموشی نشدنی آموخت و با شمشیر خود سران شرك و الحاد را نابود ساخت و اگر تلاش ها و پیکارهای حضرت نبود تنها از اسلام نامی باقی می ماند و پس.

3 - هنگامی که قریش تصمیم گرفت پیامبر اکرم را شبانه به قتل برساند حضرت علی - علیه السلام - داوطلبانه در رختخواب پیامبر ماند و بدین ترتیب ایشان نخستین «فدایی اسلام» است که با جان خود از پیامبر اکرم حفاظت کرد. امام هادی این نکته را در فرازی از زیارت خود بدین گونه یادآور می شود:

«و اشبهت فی البیت علی الفراش الذبیح علیه السلام اذ اجبت کما اجاب ، و اطعت کما اطاع اسماعیل صابرا محتسبا اذ قال له : یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری قال : یا ابت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرين ...» (13)

«یا علی ! تو در ماندنت در رختخواب پیامبر مانند اسماعیل ذبیح گشتی زیرا مثل او پاسخ دادی و چون اسماعیل با صبر و خویشتن داری اطاعت کردی»؛ اسماعیل در پاسخ سؤ ال پدر که گفت : «پسرکم در خواب می بینم که او را ذبح می کنم پس بنگر تا چه گویی ، گفت : ای پدرم هر چه به تو دستور داده شده انجام ده «ان شاء الله» مرا از صابران خواهی یافت . تو نیز همینکه رسول اکرم دستور داد در جایگاهش شب را بسربری و بر جای او بخوابی و با جانت از او حفاظت کنی ، با سرعت پاسخ مثبت دادی و مطیعانه دستورش را بجای آوردی و خود را آماده شهادت کردی ، پس خدای متعال اطاعت و تسلیم تو را ستود و عمل نیکت را بر همگان آشکار ساخته و گفت : «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» (14) برخی از مردمان در راه رضای خدا از جان خود درگذرند».

## بیتوته امام

امیرالمؤمنین در خانه و جای پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - از بزرگترین و حساسترین عملیات پیکارگرانه و فداکارانه بشمار می رود زیرا حضرت با این حرکت شهادت طلبانه ، اسلام را از بزرگترین خطر نجات داد و نقشه شوم مشرکان را نقش بر آب ساخت و این چنین بود که حضرت ، همه هستی خود را در راه اسلام و برای اعلای کلمه توحید هدیه کرد.

4 - امام در این زیارت برخی از ویژگی های نمونه جدشان امیرالمؤمنین را بیان کرده و می فرماید:

«شهد انك لم تنزل للهوى مخالفا، و المتقى مخالفا، و على كظم الغيظ قادرا، و عن الناس عافيا غافرا، و اذا عصي الله ساخطا، و اذا اطيع الله راضيا، و بما عهد اليك عاملا راعيا لما استحفظت ، و حافظا لما استودعت ، مبلغا ما حملت ...» .

«گواهی می دهم که تو همواره با هوای نفس مخالف ، با تقوا هم پیمان و ملازم ، و بر مردم بخشنده و درگذرنده بودی . هنگامی که خداوند را عصیان می کردند خشمگین می گشتی و آن وقت که خدا اطاعت می شد خشنود می شدی و پایبند و عامل به عهد خداوندی بودی و امانتدار، و مبلغ آنچه داده شده بودی و انتظار وعده الهی را می کشیدی . و گواهی می دهم که تقیه تو از ترس و خودداری از بازپس گرفتن حقت ناشی از هراس و جزع نبود و اجتناب از برخورد با غضب کنندگان حقوق از ناتوانی ناشی نمی شد و برای فریب دادن ، به خلاف رضای خدا اظهار خرسندی نکردی و از اینکه در راه خدا تو را مصیبتی پیش آید باك نداشتی .»

گواهی می دهم هرگز از خودت ضعف و سستی نشان ندادی و درمانده نگشتی بلکه همواره مراقب و هوشیار بودی (معاذ الله!) که چنین بوده باشی بلکه اگر به تو ستمی رسید جزای آن را از خدا خواستی و کار خود را به او واگذار نمودی ...».

در این بندها حضرت به برخی از ویژگی های اخلاقی جدشان و نمونه های عالی خوی و منش مجسم در وجودشان بدین گونه اشاره می کند که از جمله می توان صفات زیر را نام برد:

1 - مخالفت حضرت با هوای نفس تا آنجا که هیچ امری را بر طاعت و رضای خدا مقدم نمی داشت .

2 - هم پیمانی با تقوا: حضرت تمامی گرایش های نیک را در خود جمع آورده و هر آنچه ایشان را به خداوند نزدیک می ساخت انجام می داد.

3 - فرو بردن خشم .

4 - گذشت و بخشش ایشان نسبت به متجاوزان به حق خویش .

5 - خشم و غضب نسبت به کسانی که عصیان می ورزیدند و از راه دین منحرف می شدند.

6 - خودداری حضرت از بازپس گرفتن حقشان برخاسته از سستی و ناتوانی نبود، بلکه هدف ایشان رعایت

مصلحت اسلام بشمار می رفت . امام هادی در دنباله زیارت خویش با امیرالمؤمنین چنین گفتگو می کند:

«سختی ها تو را باز نمی داشت و در تنگناها هرگز سست نمی شدی و از پیکار با فریب و تجاوز باز نمی ایستادی ...».

یکی از آشکارترین صفات حضرت ، استواری و پایداری ایشان بود که چون کوهی در برابر مشکلات و حوادث ناگوار می ایستادند و چیزی ایشان را از تلاش و فعالیت به نفع اسلام و نبرد با تجاوز و دروغ پردازان مانع نمی شد.

امام هادی همچنان صفات جدشان را بر شمارند و می گویند:

«این توئی که می گویی : گرد آمدن مردم اطرافم بر عزّت و نیرومندیم نمی افزاید و پراکندگی آنان نیز مرا هراسان نمی کند و اگر همه مردم مرا واگذارند...».

یکی دیگر از ویژگی های بارز حضرت پایبندی به حق و عدالت بود که مانع توجه ایشان به چیز دیگری می شد. امام در همه حال حقیقت را مد نظر داشت و مظاهر فریبنده جامعه ، اندیشه ایشان را به خود مشغول نمی داشت ، اگر تمامی مردم به هواداری از حضرت می پرداختند کمترین احساس عزّت و غروری نمی کردند و اگر هم همگان پشت می کردند امام بیمناک نمی گشت و آنچه در همه حال دغدغه خاطر امام بشمار می رفت اشاعه عدل و گسترش حق میان مردم بود.

5 - این زیارت همچنین به حادثه غدیر و بیعت مسلمانان با امیرالمؤمنین به عنوان امام و خلیفه آنان می پردازد و امام هادی می فرماید:

«ان شاء الله تعالى استجاب لنبيه صلى الله عليه وآله فيك دعوته ، ثم امره باظهار ما اولاك لا مته اعلاء لشاءك ، و اعلانا لبرهانك ، و دحضا للباطيل ، و قطعاً للمعاذير فلما اشفق من فتنة الفاسقين ، و اتقى فيك المنافقين اوحى اليه رب العالمين : يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته ، و الله يعصمك من الناس ...» (15)

خداوند متعال درخواست پیامبرش را درباره تو پذیرفت و به او دستور داد سروری تو را بر امت اعلام کند تا مرتبه بلندت را نشان دهد و حقیقت وجودت را آشکار سازد و اباطیل و یاهو ها را خنثی و نابود کند و راه هر گونه عذری را ببندد، اما هنگامی که پیامبر از فتنه اندیشناک گشت و بر تو از منافقان بیمناک شد خدایش پروردگار جهانیان به او وحی کرد:

«ای رسول ! آنچه را بر تو از پروردگارت نازل شده به همگان ابلاغ کن و اگر چنین نکنی رسالت خدایی را به پایان نرسانده ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می کند».

پیامبر نیز خستگی راه را به جان خرید و در گرمای سوزان نیمه روز بیابان بپا خاست ، خطاب کرد، به گوش همگان رساند، ابلاغ کرد سپس از همه پرسید و گفت : آیا وظیفه ام را انجام داده ام ؟ و همگان پاسخ دادند: آری به خدا.

و حضرت فرمود: خدایا شاهد باش . سپس گفت : آیا من سزاوارتر از مؤمنان به خودشان نیستم ؟ پاسخ دادند: آری (هستی) . و پیامبر دستت را گرفت و گفت : «هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست ، پروردگارا! دوستانش را دوست بدار و دشمنانش را دشمن ، یارانش را یاری کن و خوار کنندگانش را خوار نما، پس تنها گروه اندکی به آنچه خدا درباره تو نازل ساخته بود ایمان آوردند و اکثر آنان دچار زیان و خسارت گشتند...». روز غدیر بخش گسست ناپذیر رسالت اسلام است و زندگی اسلامی در هیچ حال از آن بی نیاز نیست و پیامبر اکرم به وسیله همین روز است که رهبری روحی و تاریخی امت را پس از خود تضمین کرده است و مسلمانان را بازیچه امواج فتنه ها قرار نداده است بلکه برای آنان رهبری تعیین کرد و همگان در روز غدیر با او به عنوان امام و حاکم بیعت کردند و خداوند با این آیه این بیعت را امضا کرد:

«اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً». (16)

«امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم به تمامیت خود رسید و پسندیدم برای شما دین اسلام را».

6 - امام هادی - علیه السلام - رنج و مصائب جدش امیرالمؤمنین را در این زیارت یادآور شده و خطاب به ایشان می فرماید:

«ثم محنتك يوم صفين و قد رفعت المصاحف حيلة و مكرًا، فاعرض الشك ، و عزم الحق ، و اتبع الظن ، اشبهت محنة هارون اذ امره موسى على قومه فتفرقوا عنه ، و هارون ينادى بهم ، و يقول : يا قوم انما فتنتم به و ان ربكم الرحمن فاتبعوني و اطيعوا امرى قالوا نبرح عليه عاكفين حتى يرجع الينا موسى ...» (17)

«اندوه و رنج تو در جنگ صفین آن هنگام که قرآن ها به مکر و فریب بر سر نیزه رفت و شک فراگیر شد و حق را به بازی گرفتند و به پیروی از گمان و پندارها پرداختند همانند رنج و اندوه هارون بود که موسی او را بر قوم بنی اسرائیل امیر ساخت لیکن آنان را از گردش ، پراکنده شدند و او آنان را ندا در داد:

«ای قوم من ! شما به وسیله این گوساله امتحان شده اید و پروردگار شما خدای رحمان است پس مرا پیروی کنید و دستورم را بکار بندید اما آنان گفتند: ما همچنان به پرستش آن مداومت خواهیم کرد تا موسی به سوی ما باز گردد».

تو نیز هنگامی که مصاحف به بالا رفت گفتی : ای قوم ! شما به وسیله اینها فریفته شده اید و این امتحانی است برای شما لیکن آنان عصیان ورزیدند و دستور تو را اطاعت نکردند و تقاضای نصب «حکم» از سوی تو نمودند و تو از اینکار خودداری کردی و از اعمالشان به خداوند پناه جستی و ابراز انزجار نمودی و کار را به خودشان واگذاشتی . «همینکه حقیقت رخ نمود و تباهی و باطل روسیاه شد و آنان به خطا و کجروی خویش اعتراف کردند و پس از آن اختلاف نموده گناه تحکیم و پیامد آن را که خود مرتکب شده بودند به گردن تو انداختند و تو را مسؤو ل خطایی دانستند که آنان را از آن نهی کرده بودی و آنان با طیب خاطر بدان تن داده بودند و حال آنکه همواره بر راه درست و با بصیرتی خدایی عمل کرده بودی و آنان در بیراهه های گمراهی سرگردان بودند و آنقدر بر نفاق خویش پافشاری کردند و در وادی ضلالت بسر بردند که خداوند کیفر اعمالشان را در همین دنیا داد و با شمشیرت معاندینت را نابود ساخت و به شقاوت ابدی محکوم نمود و با حجت تو سعادت‌مندان را زنده کرد و هدایت کرد پس صلوات خدا بر تو در آغاز و انجام کار و در تمام حرکات و سکانات باد هیچ مدح کننده ای بر کمالت احاطه پیدا نخواهد کرد و دشمن نیز از درک عمق فضیلت و بزرگیت ناتوان خواهد بود...».

یکی از بزرگترین مشکلات و بحران هایی که امام امیرالمؤمنین را محاصره نمود، نیرنگ بر سر نیزه کردن قرآن ها بود که تمامی پیروزی های درخشان لشکر امام را که در آستانه شکست دادن کامل نیروی سرکش و حق ستیز معاویه و کسب پیروزی نهایی بود بر باد داد!

حیله معاویه و دعوت به «حکمیت» در گروهی از ابلهان که از شعور دینی برخوردار نبودند و حقیقت اسلام را درک نکرده بودند کارگر شد و آنان از اطاعت فرمانده خود سر پیچیدند و بنای سرکشی گذاشتند و شمشیرهای خود را در برابر امام به گردش درآوردند و از ایشان خواستند دعوت معاویه را بپذیرد و الا تن به کارزار دهد، امام نیز ناگزیر شد موافقت خود را اعلام نماید و جنگ را متوقف سازد و بدین گونه دوره حکومت حق و عدالت به پایان رسید و معاویه پیروز شد و ظلم ، ستم و استبداد را فراگیر ساخت .

همینکه ترفند معاویه برای آن ساده لوحان و افراد نادان روشن شد شتابان نزد حضرت امیر رفته از او خواستند بخاطر پذیرش صلح با معاویه توبه کند! و به گناه نکرده اعتراف نماید. امام از پذیرفتن خواسته آنان خودداری کرد زیرا در زندگی سراسر نور و ایمانش ، کمترین غبار شکی نبود چه برسد به گناه و حیات امام چیزی نبود جز خدمتی صادقانه به اسلام و مسلمین .

امتناع امام آنان را به جبهه گیری ، جدا شدن از مسلمانان ، تشکیل خیمه و خرگاه ، حمله به مردم بی دفاع ، تخریب و عملیات ایدایی و نهایتا به جنگ واداشت و واقعه نهروان پیش آمد که سختی ها و مشکلات فراوانی

برای مسلمانان ببار آورد و بذر فتنه و شقاق را در جامعه اسلامی افشانند.  
بحث از زیارت غدیریه امام را که از زیباترین ، اصیل ترین ، بدیع ترین و پربارترین زیارات است در همین جا به  
پایان می بریم .

پی نوشتها:

- 1- (مزار البحار).
- 2- (مزار البحار).
- 3- (الذریعه الی تصانیف الشیعه ، (ج 13، ص 305 و 306).
- 4- (مفاتیح الجنان ، (ص 363 از شیخ عباس قمی .)
- 5- تاریخ طبری ، ج 2، ص 75).
- 6- (فیض القدیر، (ج 4، ص 358) و (کنز العمال) ، (ج 6، ص 156).
- 7- (الاستیعاب ، (ج 2، ص 759).
- 8- سوره احزاب ، آیه 10 - 13.
- 9- سوره احزاب ، آیه 22.
- 10- سوره توبه ، آیه 25 - 26.
- 11- سوره توبه ، آیه 27.
- 12- سوره احزاب ، آیه 15.
- 13- سوره صافات ، آیه 101.
- 14- سوره بقره ، آیه 207.
- 15- سوره مائده ، آیه 67.
- 16- سوره مائده ، آیه 3.
- 17- سوره طه ، آیه 90 و 91.

منبع: زندگی امام علی الهادی (علیه السلام)

نویسنده: باقر شریف قرشی